

تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت‌پذیری مردم در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: آزادشهر استان گلستان)

رحمت اله امیراحمدی^۱ سید جواد حسینی^۲

چکیده

در حال حاضر بخش‌های بزرگی از بافت‌های درونی شهرها با فرسودگی مواجه هستند و فرسودگی فضاهای شهری باعث عدم کارکرد مناسب گردیده است. شهرستان آزادشهر که دارای ۴۱ هکتار بافت فرسوده است؛ اجرای طرح نوسازی و بهسازی‌اش همانند سایر بافت‌های فرسوده نیازمند همکاری، همیاری و مشارکت مردم خصوصاً ساکنان و مالکان این بافت فرسوده می‌باشد. طرح حاضر با هدف شناخت تأثیر برخی از عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت‌پذیری ساکنان؛ مالکان و شاغلین بافت فرسوده و کمک به سازماندهی آنان در اجرای طرح نوسازی بافت فرسوده شهر آزادشهر، با بهره‌گیری از روش مطالعه توصیفی-اکتشافی و استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته برای جامعه آماری ۱۱۴ خانواری به اجرا در آمده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ساکنان بافت، اعتماد لازم به دستگاه‌های ذیربط در امر نوسازی شهر را ندارند و معتقدند سود اصلی نوسازی به کسان دیگری بجز خودشان تعلق می‌گیرد، هرچه تحصیلات بالاتر می‌رود مشارکت‌پذیری بیشتر می‌شود، مردان بیشتر از زنان و افراد متأهل بیشتر از مجردها مشارکت‌پذیری دارند، اما بین تعلق مکانی، نوع مالکیت و اقوام مختلف از نظر مشارکت‌پذیری تفاوت معناداری وجود ندارد. نکته اصلی این که با بالا رفتن سرمایه اجتماعی مشارکت مردم در نوسازی و بازسازی بافت فرسوده افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: مشارکت-عوامل جامعه‌شناختی-نوسازی-بافت فرسوده

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر، گلستان، ایران.

amirahmadi569@gmail.com

۲- دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان مشهد

بیان مساله

در حال حاضر بخش‌های بزرگی از بافت‌های درونی شهرها با فرسودگی مواجه هستند و فرسودگی فضاهای شهری باعث عدم کارکرد مناسب گردیده است. فضاهای فرسوده شهری نه تنها توقعات اجتماعی و سهولت رفتاری شهروندان را برآورده نمی‌سازند بلکه غالباً به سبب شکل کالبدی و استقرار مکانی به مانعی جهت حضور و فعالیت شهروندان و عملکرد مناسب فضاهای همجوار مبدل شده‌اند و موجب کاهش ارزش‌های کیفی، محیطی، عدم هماهنگی عملکردی با فضاها و فعالیت‌های همجوار گردیده‌اند. بافت فرسوده یک مسأله شهری است که عوامل محیطی و انسانی گوناگونی در پدیداری آن نقش داشته‌اند و بازتاب‌ها و آثار متفاوتی نیز بر محیط‌های فضایی، طبیعی و انسانی بر جای خواهد گذارد. لذا موقعیت کنونی بافت در مجموعه شهری، عوامل پدیداری، مسائل، ظرفیت‌ها و شرایط خاص پهنه‌های بافت فرسوده موجب شکل‌گیری گونه‌های متفاوت بافت‌های فرسوده شهری گردیده‌اند. مورد پژوهی‌ها نشان می‌دهند که هیچ گونه خط مشی استاندارد برای احیای موفقیت آمیز محلات قدیمی وجود ندارد و رهیافت‌های مربوط به این امر باید بر پایه مشخصه‌های بومی و موردی خاص باشد. بنابر نظر (کوتلر)؛ دو مکان متفاوت، به هیچ وجه در اتخاذ رهیافت‌هایشان، استفاده از منابعشان، تبیین فرآورده‌ها یا به کارگیری طرح‌ها و نقشه‌های خود یکسان عمل نمی‌کنند. مکان‌های گوناگون در تاریخ، فرهنگ، سیاست، رهبری و شیوه‌های خاص برای اداره روابط میان بخش دولتی و خصوصی، متفاوتند. به این ترتیب، دستیابی به احیای موفقیت آمیز نیاز به شناخت و بهره‌گیری از امتیازها و موقعیت‌های موجود در آن محله و شهر و منطقه و کشور دارد. بر اساس تجارب بدست آمده و بررسی‌های آماری طرح‌های موفق بهسازی بافت‌های فرسوده در نقاط مختلف دنیا، مهم‌ترین عامل موفقیت طرح‌ها همراهی و همگامی مردم و ساکنین محدوده طرح بوده و متقابلاً مهم‌ترین عامل شکست اینگونه طرح‌ها نیز مخالفت مردم با اجرای آن تعیین شده است. بر اساس آمارهای اعلام شده توسط شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران؛ هم‌اکنون بیش از ۷۲ هزار هکتار محدوده بافت فرسوده و بیش از ۴۰ هزار هکتار سکونتگاه غیررسمی در ایران وجود دارد (پایگاه اطلاع‌رسانی ساختمان ایران، ۹۱/۸/۱). که ۲۲۷۸ هکتار آن در استان گلستان واقع شده و جمعیت ساکن در این بافت‌ها بیش از ۲۰۸ هزار و ۳۶۵ نفر است. شهرستان آزادشهر نیز که دارای مساحت محدوده قانونی ۵۷۱/۸ هکتار است دارای ۴۱ هکتار بافت فرسوده است که ۷/۱٪ مساحت شهر را

تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت‌پذیری مردم..... ۴۱

شامل می‌شود. بر طبق آمار سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران ۲۱۴۳ خانوار که شامل ۸۷۲۸ نفر می‌باشند در محدوده بافت فرسوده سکونت دارند که با توجه به تعداد ۹۲۹۶ خانواری شهر سهم آنها ۲۳ درصد از کل خانوارهای شهر می‌باشد. مساحت طرح مصوب پونه نیز ۴/۷ هکتار است که مابین رودخانه مرکزی، ۲۰ متری نوری و کوچه مکتب الزهرا قرار گرفته است که رودخانه ضلع جنوبی، کوچه مکتب الزهرا ضلع شرقی، ۲۰ متری نوری ضلع غربی و قسمت شمالی آن حد فاصل ابتدای کوچه مکتب الزهرا تا ۲۰ متری نوری می‌باشد. این محدوده بیش از ۱۲۰ خانوار را در خود جای داده است. پرواضح است که اجرای طرح نوسازی و بهسازی این شهرستان همانند سایر بافت‌های فرسوده نیازمند همکاری، همیاری و مشارکت مردم خصوصاً ساکنان و مالکان این بافت فرسوده می‌باشد، اما توان نسبتاً پایین مالی مالکان و ساکنان این محدوده و از آن مهمتر کم آگاهی مردم از خطرات احتمالی زندگی در این بافت‌ها و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نامناسبی که به همراه داشته است، به عنوان موانع مهمی در مشارکت آنان در طرح‌ها و پروژه‌های حتی سودآور محسوب می‌گردد. لذا جلب همکاری و همفکری و جذب سرمایه‌های اندک این افراد در پروژه‌ها نیازمند توجه به عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر کنش مشارکتی ساکنان این بافت می‌باشد که این مطالعه تلاش می‌کند در این زمینه راهگشا باشد.

اهداف تحقیق

الف: هدف اصلی

شناخت تأثیر عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت‌پذیری ساکنان؛ مالکان و شاغلین بافت فرسوده و کمک به سازماندهی آنان در اجرای طرح نوسازی بافت فرسوده شهر آزادشهر.

ب) اهداف جزئی

- ۱- شناخت ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و شغلی مالکین، شاغلین و ساکنین بافت پونه و رابطه آن با تمایل آنها به مشارکت در اجرای طرح نوسازی.
- ۲- شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی ساکنین و مالکین و شاغلین بافت فرسوده پونه و رابطه آنها با میزان تمایل به مشارکت در اجرای طرح نوسازی.
- ۳- شناخت وضعیت مالکیت و تعلق مکانی ساکنین و مالکین و شاغلین بافت فرسوده پونه و رابطه آنها با میزان تمایل به مشارکت در اجرای طرح نوسازی.

۴- شناخت و اولویت بندی مسائل و مشکلات انجام طرح نوسازی بافت از دیدگاه ساکنین، مالکین و شاغلین.

فرضیات تحقیق

۱. بین جنس (زنان و مردان) از نظر مشارکت پذیری تفاوت وجود دارد.
۲. بین قومیت و مشارکت پذیری رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین افراد با تحصیلات مختلف از نظر مشارکت پذیری تفاوت وجود دارد.
۴. بین افراد متأهل و مجرد از نظر مشارکت پذیری تفاوت وجود دارد.
۵. بین نوع مالکیت و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.
۶. بین تعلق مکانی پاسخگویان و مشارکت پذیری آنان رابطه وجود دارد.
۸. بین سرمایه اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

-مفهوم مشارکت

مشارکت کنشی است که از رهگذر آن آحاد یک جامعه شرایط تحقق انتظارات خود را مهیا می‌سازد (تاجیک، ۱۳۸۴) بر این مبنا مشارکت تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه است که به عنوان یکی از ساز و کارهای اعمال قدرت از درون جامعه بر می‌خیزد (کائوتری، ۱۳۷۹: ۶). مشارکت نوعی درگیری عاطفی و ذهنی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که موجب برانگیختگی آنها شده تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را بازی داده و پذیرای مسئولیت شوند. سه مفهوم عمده در مشارکت وجود دارد که رفتار مشارکتی را از غیر مشارکتی متمایز می‌سازد:

الف) آگاهی و شناخت ذهنی و روانی ب) اراده اختیاری ج) مسئولیت پذیری

-محدودیت‌های مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهری

۱- عدم اعتماد مشارکت کنندگان به نتیجه کار: جلب مشارکت همه جانبه آحاد ساکنان، مالکان و افراد علاقمند و ذینفع در امر نوسازی و بهسازی هر محله. صرفاً در یک بستر شفاف، مطمئن و مملو از اعتماد متقابل تحقق می‌یابد. فارغ از مباحث حقوقی، قانونی و قراردادی، آحاد مزبور باید به متولیان، مجریان و مدیران طرح‌های بهسازی و نوسازی اعم از دولت، شهرداری‌ها و یا مجریان بخش غیر دولتی اعتماد نمایند و به بیان ساده‌تر رابطه عاطفی و صمیمی برقرار نمایند. تضاد منافع مانع از ایجاد هر گونه اعتماد سازی خواهد شد. طرح بهسازی و نوسازی باید کاملاً برای ساکنین و

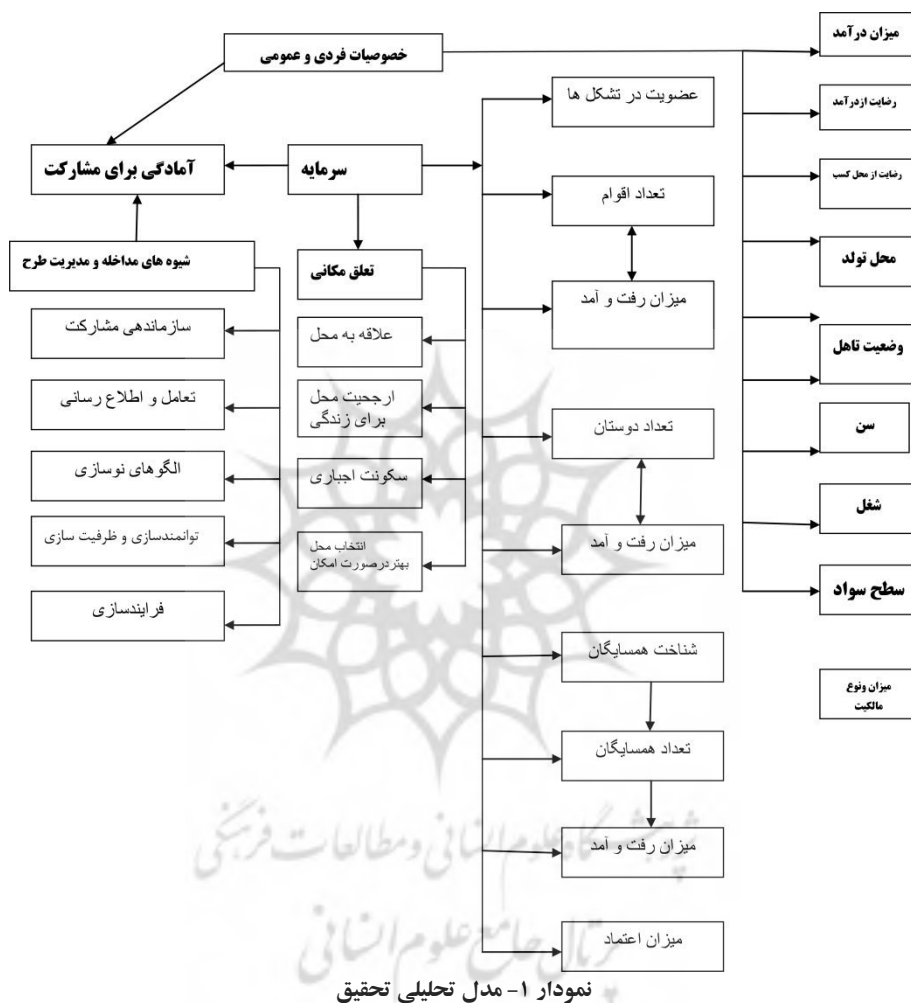
مالکین محله تشریح شود. به نحوی که آنها مطمئن شوند هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه‌ای وجود ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند سوء استفاده نماید. در صورتی که هنوز طرح بهسازی و نوسازی تهیه نشده است، گروهی باید بعنوان نماینده مالکان و ساکنان در جلسات طراحی حضور داشته باشند و مشارکت فکری آنها به کار گرفته شود. کاری که در ایران کمتر انجام می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۲).

۲- نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت: گسترش مشارکت مردمی، به فرهنگ مشارکتی نیاز دارد. پیش از آنکه روند مشارکت گسترش یابد، نهادی شدن روحیه دموکراسی ضرورت می‌یابد. یکی از مشکلات اصلی اغلب کشورهای جهان سوم، نهادینه کردن فرهنگ مشارکت است. نخستین دلیل نهادی نشدن فرهنگ مشارکت، ساختار جامعه است که در راه ظهور فرهنگ مشارکت مانع ایجاد کرده است. در این جوامع، طبقات بالای جامعه قدرت را قبضه کرده‌اند و در برابر هر اقدامی برای تقسیم آن با توده‌ها مخالفت می‌ورزند. علاوه بر آن، ناآگاهی و فقر عمومی توده‌ها، امکان تجدید نظر زیربنایی را کاهش داده و اقلیت حاکم برای توجیه ضرورت اعمال سیاست توسعه‌ی از بالا به پایین از این ضعف‌ها بهره برداری کرده است. مضافاً بر این که در برخی جوامع، سنت‌های موجود، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را با مانع رو به رو ساخته است.

۳- عدم وجود نهادهای مشارکتی مناسب: ایجاد نهادهای مشارکتی از دیگر شرط‌های نهادی کردن مشارکت‌های عمومی است. این نهادها در هر کشور تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل، همچون جهت‌گیری ایدئولوژیک کشور، ساختار اجتماعی، تاریخ جمعیت‌شناسی، شکلی متفاوت می‌یابند. اما ویژگی مشترک همه‌ی آنها، نامتمرکز ساختن قدرت و هدایت آن به سطوح پایین جامعه است. سازمان‌های اجتماعی مانند شهرداری‌ها، انجمن‌ها، شوراهای... از جمله نهادهایی‌اند که مشارکت را تسهیل می‌کنند. در نبود تشکلهای مردمی، قانونی برای سازماندهی و هدایت مشارکت‌های مردمی وجود ندارد در چنین شرایطی است که فرهنگ فردگرایی بجای فعالیت‌های جمعی در زندگی مردم نهادینه می‌شود و سازمانهای دولتی از رویکرد بالا به پایین در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. و این گونه می‌شود که در برنامه‌ها به دیدگاه‌ها و نیازهای واقعی مردم توجه نمی‌شود.

۴- سیر اداری طولانی و هزینه بر بودن: این مورد بخصوص در کشورهایی که دولت نقش زیادی در فرایندهای اقتصادی دارد مشاهده می‌شود. نهادهای مختلف به منظور تصمیم‌گیری و فعالیت و هماهنگی با مسئولین مراحل اداری طولانی باید طی کنند که علاوه بر زمان زیاد، هزینه‌های

زیادی بر آنها تحمیل می‌کند که به نهادهای مشارکتی که جزئی از آنها به شمار می‌رود آسیب می‌زند. (همان: ۹۸)



روش تحقیق

نوع مطالعه، روش و نحوه اجرای تحقیق

در بین انواع روشهای تحقیق این مطالعه از روش پیمایش (زمینه‌یابی) استفاده نموده است این پژوهش از حیث سطح تحقیق: مطالعه‌ای توصیفی - اکتشافی است. از حیث نوع تحقیق: مطالعه‌ای ژرفانگر، کیفی و کاربردی محسوب می‌گردد. از این جهت مطالعه را یک مطالعه توصیفی -

اکتشافی می‌دانیم که ضمن توصیف وضعیت ساکنین بافت فرسوده (محدوده مورد مطالعه) در پی عوامل مؤثر در مشارکت و عدم مشارکت ایشان نیز می‌باشد و مطالعه از آن جهت ژرفانگر است که منطقه مورد مطالعه از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و از آن جهت کیفی است که متغیرهای مورد مطالعه اکثراً کیفی و یافته و تحلیل‌های انجام گرفته به شکل کیفی انجام می‌گردد گرچه بخشی از یافته‌های این تحقیق از طریق پرسشنامه بدست آمده و به شکل کمی توصیف و تحلیل گردیده‌اند لذا بهتر است از این جهت این مطالعه را کمی - کیفی فرض کرد اما این مطالعه از آن جهت در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد که نتایج آن در محدوده مورد مطالعه به اجرا گذاشته خواهد شد ضمن آنکه می‌تواند الگویی برای سایر مناطق شهر و کشور نیز قرار گیرد.

ابزار گردآوری اطلاعات تحقیق:

طراحی پرسشنامه محقق ساخته: برای ساکنین و مالکین بافت این پرسشنامه حاوی ۵۸ سؤال می‌باشد برخی سؤالات به شناخت ابعاد فردی و عمومی مالکین و ساکنین بافت اختصاص دارد و قسمتی دیگر برای آزمون فرضیات پژوهش طراحی شده‌اند، برای سنجش برخی متغیرهای سازه‌ای این تحقیق مثل سرمایه اجتماعی، تعلق مکانی، روابط همسایگی و وضعیت اقتصادی و آمادگی برای مشارکت از طیف لیکرت استفاده شده است.

روایی^۱ و پایایی^۲ ابزار مطالعه:

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخته و نسبتاً استاندارد بود که توسط دیگر محققان برای مطالعه مشارکت‌پذیری ساکنان بافت‌های فرسوده مشهد مورد استفاده قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۰) پرسشنامه فوق حاوی ۵۸ سؤال می‌باشد که اکثر سؤالات به شکل سؤالات بسته از نوع کافه تریا و برخی به شکل مقیاسهای ۳ تا ۵ درجه‌ای می‌باشد.

پرسشنامه در گام اول از طریق پیش‌آزمون^۳ روایی و اعتبار آنها سنجش شد به این طریق که پرسشنامه اول در بین ۲۵ نفر از اهالی محل به شکل آزمایشی آزمون شد برخی از سؤالات از حیث شکل و برخی از حیث محتوا مشکلاتی داشتند که برخی حذف و برخی اصلاح شدند.

در گام بعدی برای افزایش ضریب اعتبار و روایی ابزار تحقیق از روش بررسی توافق بین داوران^۴ استفاده شد بدین طریق که مورد ارزیابی ۳۰ نفر از کارشناسان و مدیران و دست‌اندرکاران پروژه‌های بازسازی بافت‌های فرسوده قرار گرفت و پیشنهادات و اصطلاحات طرح و دوباره پرسشنامه اصلاح و تعدیل شد.

در گام سوم از روش محتوایی استفاده شد، در این مرحله به ۱۵ نفر از پژوهشگران که دست‌اندرکار این تحقیق هستند یا به عنوان استاد دانشگاه در موضوع مورد مطالعه تخصص دارند پرسشنامه‌ها عرضه نظریات ایشان دریافت و در تدوین نهایی نظریات ایشان لحاظ شد. همچنین برای برخی از سؤالات تحقیق که در قالب طیف لیکرت یا شاخص سا. زی به سنجش سرمایه اجتماعی، تعلق مکانی، روابط همسایگی و آمادگی برای مشارکت پرداخته است با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ روایی آنها مورد سنجش قرار گرفته‌اند که ضریب آنها برای تعلق مکانی ۰/۸۰ سرمایه اجتماعی ۰/۷۵ و آمادگی برای مشارکت ۰/۷۰ ارزیابی شده است.

حوزه مطالعه جامعه آماری و نمونه:

حوزه این مطالعه شهر آزاد شهر می‌باشد و محدوده مورد مطالعه در محله پونه قرار دارد.

جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها:

جامعه آماری این پژوهش به شیوه تمام شماری، کلیه خانوارهای ساکن بافت فرسوده پونه می‌باشد که تعداد آنها به ۱۱۴ خانوار رسیده است و همه آنها مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

۳- یافته‌ها و شواهد

فرضیه ۱: بین زنان و مردان از نظر مشارکت پذیری تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t-test استفاده شده است:

t	میانگین مشارکت پذیری مردان	میانگین مشارکت پذیری زنان
-۰/۹	۲.۳۸	۲.۵۷
Sig=0/5	n=۲۴	n=۹۲

جدول فوق بیانگر این است که مشارکت پذیری مردان (میانگین=۲.۵۷) از مشارکت پذیری زنان

(میانگین=۲.۳۸) بیشتر می‌باشد. اما این تفاوت قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد (sig=0/5).

فرضیه ۲: بین قومیت و مشارکت پذیری رابطه معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است:

95% Confidence Interval for Mean						
Upper Bound	Lower Bound	Std. Error	Std. Deviation	Mean	N	
2.6992	2.3295	.09317	.94101	2.5144	102	فارس
3.1261	2.4810	.13641	.38584	2.8036	8	ترک
2.3750	2.3750	.00000	.00000	2.3750	4	سیستانی
3.0000	3.0000	.00000	.00000	3.0000	2	سایر
2.7020	2.3737	.08288	.89263	2.5379	116	Total

تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت‌پذیری مردم..... ۴۷

ANOVA					
مشارکت‌پذیری					
Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
.699	.476	.385	3	1.154	Between Groups
		.808	112	90.477	Within Groups
			115	91.631	Total

نتیجه تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد بین اقوام مختلف از نظر مشارکت‌پذیری تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۳: بین افراد با تحصیلات مختلف از نظر مشارکت‌پذیری تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است:

95% Confidence Interval for Mean				
Upper Bound	Lower Bound	Std. Deviation	Mean	N
2.5525	1.8721	.68410	2.2123	18
2.6782	2.0979	.77703	2.3881	30
2.7381	1.4841	1.26090	2.1111	18
2.9081	2.4538	.60840	2.6810	30
3.0523	2.8227	.07217	2.9375	4
3.7746	2.8191	.89661	3.2969	16
2.7020	2.3737	.89263	2.5379	116

ANOVA					
مشارکت‌پذیری					
Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
.001	4.771	3.266	5	16.330	Between Groups
		.685	110	75.302	Within Groups
			115	91.631	Total

نتیجه به دست آمده از تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد بیشترین مشارکت‌پذیری را دارندگان مدرک کارشناسی (میانگین = ۳.۲۹)، پس از آن کاردانی (میانگین = ۲.۹۳)، سپس دیپلمه‌ها (میانگین = ۲.۶۸)، خواندن و نوشتن (میانگین = ۲.۳۸) بی سوادها (میانگین = ۲.۲۱) و دارندگان مدارک سیکل (میانگین = ۲.۱۱) دارند. که این تفاوت‌ها قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (sig=0/00).

فرضیه ۴: بین افراد متأهل و مجرد از نظر مشارکت‌پذیری تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t-test استفاده شده است:

t	میانگین مشارکت‌پذیری متاهلان	میانگین مشارکت‌پذیری مجردها
۰/۱	۲.۶	۱.۶
Sig=۰	N=96	N=2

جدول فوق بیانگر این است که مشارکت پذیری متاهلان (میانگین=۲.۶) از مشارکت پذیری مجردها (میانگین=۱.۶) بیشتر می‌باشد. که این تفاوت قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد (sig=0).

فرضیه ۵: بین نوع مالکیت و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است:

95% Confidence Interval for Mean					
Upper Bound	Lower Bound	Std. Error	Std. Deviation	Mean	N
2.7439	2.3436	.10056	.89948	2.5438	80
3.4070	2.7180	.10825	.21651	3.0625	4
2.8820	1.9135	.23286	1.09220	2.3977	22
2.8750	2.8750	.00000	.00000	2.8750	2
2.7151	2.3636	.08868	.92155	2.5394	108

ANOVA

مشارکت پذیری					
Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
.563	.686	.588	3	1.763	Between Groups
		.857	104	89.108	Within Groups
			107	90.870	Total

نتیجه تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده بین افراد با مالکیت‌های متفاوت با مشارکت پذیری قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد.

فرضیه ۶: بین تعلق مکانی پاسخگویان و مشارکت پذیری آنان رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است

Correlations			
	مشارکت پذیری	تعلق مکانی	
مشارکت پذیری	1	-.054	Pearson Correlation
		.565	Sig. (2-tailed)
		116	N
تعلق مکانی	-.054	1	Pearson Correlation
	.565		Sig. (2-tailed)
		116	N

نتیجه ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد بین مشارکت پذیری و تعلق مکانی رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۷: بین سرمایه اجتماعی و مشارکت پذیری رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

Correlations		
	مشارکت‌پذیری	سرمایه اجتماعی
مشارکت‌پذیری	1	.043
		Pearson Correlation
		Sig. (2-tailed)
	116	116
		N
سرمایه اجتماعی	.043	1
		Pearson Correlation
		Sig. (2-tailed)
	116	116
		N

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد

۴- بحث و نتیجه‌گیری

۱- سرمایه اجتماعی به سیمانی تشبیه شده است که بلوک‌های تشکیل دهنده ساختمان را کنار هم نگه می‌دارد. نتیجه پژوهش نیز نشان داد با بالا رفتن سرمایه اجتماعی مشارکت مردم در نوسازی و بازسازی بافت فرسوده افزایش می‌یابد و می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش مشارکت اقتصادی نیز همت گمارد موارد زیر برای افزایش سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌شود:

- تقویت امکانات مالی و اقتصادی افراد جامعه
 - ایجاد فضاهای تسهیل‌کننده ارتباطات اجتماعی میان افراد جامعه
 - درک ضرورت تقویت و بازسازی سرمایه اجتماعی از سوی تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران
- ۲- عملکرد دولتمردان و وفای به عهد ایشان در انجام مسئولیتها و رسیدگی به امور کشور نقش مهمی در ایجاد جو اعتماد دارد، در صورت عدم عملکرد درست ایشان بی‌اعتمادی در جامعه گسترش می‌یابد. لذا بر مدیران، مسولین و برنامه‌ریزان استانی و شهری است که در جهت تقویت سرمایه اجتماعی شهروندان بکوشند.
- ۳- با عنایت به نتایج تحقیق که نشان دهنده اعتماد ضعیف مالکان به مجریان و کارگزاران نوسازی است و از آن جایی که یکی از کلیدی‌ترین نکاتی که در اجرای پروژه‌های نوسازی باید مد نظر قرار گیرد اعتماد است. برای بالا بردن اعتماد پیشنهاد می‌شود در درجه اول تضمین‌های لازم برای مردمی که در اجرای پروژه می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند داده شود به طوری که افراد از ابتدا تا انتهای پروژه بدانند چه اتفاقاتی قرار است بیفتد. نکته دیگر این است که شرکت‌های مجری اطلاع‌رسانی کافی برای پروژه‌ها و شیوه‌های مشارکت انجام داده و خود نیز شرح خدماتی که به مردم ارائه می‌دهند به طور روشن و واضح به مردم ارائه دهند. پیشنهاد دیگر در این زمینه این است که

۵۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

با معادلسازی های عادلانه آنچه در انتهای پروژه نصیب مشارکت کنندگان می‌شود را به طور حداقلی تضمین دهند تا مالکین با خیالی آسوده به ملک و سرمایه خود را در اختیار قرار دهند.

۴- نتیجه‌ی دیگر به دست آمده این است که مشارکت اجتماعی بر مشارکت اقتصادی تاثیرگذار است. باید در نظر داشت که بازسازی و نوسازی بافت فرسوده فرآیند است نه اقدامی یکباره و دفعی و مستلزم مهندسی اجتماعی است. این نکته زمانی روشن تر می‌شود که بدانیم با توجه به ریز دانه بودن و قدیمی بودن املاک روابط میان همسایگان در بسیاری از این مناطق شدیدتر از سایر مناطق شهر است و مردمی که در امور اجتماعی مشارکت بیشتری دارند وجهه بهتری نیز دارند و می‌توان با آگاه ساختن آنها از فواید نوسازی سایرین را بهتر متقاعد ساخت.

۵- با توجه به نتیجه تحقیق که نشان می‌دهد آگاه سازی مردم می‌تواند در اجرای پروژه‌ها تسهیل ایجاد کند لذا به نظر می‌رسد باید فواید نوسازی را در دو جهت به مردم شناساند:

۱-۵- فوایدی که برای همهی مردم دارد، مثل امدادسانی به موقع، پیشگیری از خسارات زلزله احتمالی و...

۲-۵- فوایدی که برای مشارکت کنندگان دارد: سود اقتصادی، دسترسی به ملک نو در محل قبلی و

۶- از آن جایی که در نوسازی بافت فرسوده آزادشهر مداخله جدی دستگاه‌های ذیربط نظیر شهرداری و شرکت عمران و مسکن سازان و نیز مشارکت مردم تاکنون مشاهده نشده لذا تشکیل دفاتر نوسازی محله برای برقراری ارتباط مستمر بین دستگاه هی مجری و مالکان و ساکنان با هدف اطلاع رسانی از پروژه‌ها و برقراری جلسات توجیهی و از همه مهم‌تر سازماندهی بهتر کار از ضرورت های اساسی اجرای این طرح است.

سخن آخر این که کار مشارکتی با مردم و نه برای مردم آن هم در نوسازی بافت‌های قدیمی و فرسوده به صرف ادعا حاصل نمی‌آید، در این مسیر باید اعتقاد قوی به مشارکت واقعی مردم داشت و این مشارکت را نهادینه نمود، ابتدا باید کاری کرد که مشارکت مردم برای نوسازی بافت‌ها تبدیل به یک نهضت عمومی شود و برای تحقق این مهم ساختار اجرایی کار هم در بعد اهداف و هم در بعد اجرا و جذب سرمایه گذارها و تشکلهای مردمی طراحی گردد. از طرفی مداخله در بافت فرسوده در قالب طرحهای پیشنهادی، نیازمند سازماندهی می‌باشد که ساختار فعلی شهرداریها و سازمان‌های عمران و مسکن سازان پاسخگوی آن نیست، راه اندازی دفاتر نوسازی

تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت‌پذیری مردم..... ۵۱

محلّه توسط بخش خصوصی چاره کار است. همچنین شیوه‌های تعامل و اطلاع‌رسانی با مردم، روش‌های مختلف مشارکت مردم در نوسازی و نیز شیوه‌های تجمیعی در قالب تجمیع چند بلوک یا طرح‌های الگویی تجمیعی و آثار مثبت آن بایستی به صورت شفاف برای مردم تبیین گردد. امیدواریم با عملی شدن این پیشنهادات شاهد گسترش و نهادینه سازی جریان نوسازیافت‌های فرسوده شهری با مشارکت پایدار مردمی می‌باشیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Validity
2. Reliability
3. Pre – Test
4. inter-rater

منابع

- آئینی، محمد (۱۳۸۶) اعتماد سازی، کلید طلایی یا رمز اصلی مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری: موضوعات اقتصادی، مالی و مدیریتی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول
- امیر احمدی، رحمت‌ا. و همکاران (۱۳۸۹) روش‌های تأمین مالی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر تجارب تأمین مالی پروژه‌های بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع)، دومین همایش نوسازی بافت‌های فرسوده تاریخی و فرسوده شهری، شیراز.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۴) کاهش مشارکت بحران ساز است، تهران، روزنامه ایران.
- حسینی، سید جواد (۱۳۹۰) سازماندهی و راهکارهای جلب مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهر رفسنجان - نمونه محدوده میدان ابراهیم
- حسینی، سید جواد (۱۳۹۱) سازماندهی و راهکارهای جلب مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهر مشهد - نمونه بازارچه سراب
- حسینی، سید جواد (۱۳۸۷) مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری، انتشارات سخن گستر، چاپ اول.
- عباس زادگان، مصطفی (۱۳۸۶) افزایش سرمایه اجتماعی راهکار اصلی سامان دهی بافت‌های فرسوده، دومین نشست تخصصی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری.
- پایگاه اطلاع‌رسانی ساختمان ایران (۱۳۹۱)